



پیشخوان

نظر و گذری بر ۳ رساله تاریخی-سیاسی از شهید دکتر فتحی شقافی

راهکار امام خمینی به مثابه یگانه راه پیروزی

سمانه صادقی



اثری که هم‌اینک در معرفی آن سخن می‌رود، در بردارنده سه رساله تاریخی-سیاسی از شهید دکتر فتحی شقافی است که به شکل مکرر از سوی

انتشارات اطلاعات نشر یافته است. این مجموعه از سوی زنده‌یاد استاد سیدهادی خسروشاهی تدوین شده و در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است. تاریخ‌نمای ناشر در محتوای این اثر اشاراتی به ترتیب پی آمده دارد: «کتاب امام خمینی، تنها گزینه نوشته شهید دکتر فتحی ابراهیم شقافی سال هاست که از سوی مؤسسه اطلاعات بازنشر می‌شود. این کتاب دربردارنده سه کتابچه مجزاست؛ اول، امام‌خمینی، تنها گزینه؛ در این اثر به اجمال درباره تاریخ معاصر ایران و اندیشه تشیع بحث‌هایی مطرح می‌شود که برای خواننده عرب و به ویژه نسل جوان و مسلمان آن آگاهی از آنها اهمیت خاصی دارد. در این بخش پس از مقدّماتی از تاریخ ایران و چگونگی سلطه و نفوذ استعمار و ایادی آن، مؤلف شهید در جمع‌بندی نهایی به این نتیجه رسیده است که راه‌حل اسلامی و آلترناتیو واقعی در قبال دشمن مشترک مسلمانان، امام خمینی و روش مردم‌گرای ایشان است. دوم، شیعه و سنی، غوغای ساختگی؛ در این رساله، شهید شقافی از توطئه و برنامه دشمنان اسلام و غرب و عده‌ای از جاهلان برای ایجاد تفرقه و فاصله و اختلاف بین شیعه و سنی و فعالیت‌های تبلیغاتی گسترده آنان در این خصوص سخن می‌گوید. سوم، مرکزیت مسئله فلسطین: مسئله فلسطین یکی از اصلی‌ترین مسائل جهان اسلام، بلکه مهم‌ترین مسئله شیای اسلام است. شهید شقافی در رساله سوم به این موضوع و اهمیت آن



شهید دکتر فتحی شقافی در حال ایراد یک سخنرانی

برای مسلمانان پرداخته است. مطالعه این کتاب، نوع اندیشه رهبری سازمان جهاد اسلامی را دربرابر ایران، شیعه و سنی و مسئله فلسطین به خوبی نشان می‌دهد... در بخشی از رساله «امام خمینی، تنها گزینه»، چنین آمده است: «اوازه نام امام خمینی از ابتدای دهه ۶۰، به عنوان یک نماد الهام‌بخش و رهبر انقلاب اسلامی ایران به هوو پایه جبهتاین می‌رسید. انقلابی که الگوی عظیم و یگانه در تاریخ انقلاب‌های بشری شد. امام از آغاز، طلبه‌ای دانش‌دوست، پرزیرکار و زاهد بود. وی از دهه ۴۰ با تدریس در مدرسه فقهیه قم مطرح شد و طلاب پیرامونش گرد آمدند. او آنان را به صورت مردان خود درنیارود، بلکه شاگردان را به عنوان پایه‌های انقلاب آماده کرد. به هنگام می‌شدن صنعت نفت و حکومت مصدق (۱۹۵۱)، امام خمینی به آیت‌الله کاشانی، رهبر بزرگ اسلامی نزدیک بود. آیت‌الله کاشانی همان کسی است که صدایش در تمام جهان طنین افکند که ای سگ‌های انگلیسی! از کشور ما خارج شوید و نفت ما را رها کنید و همو پایه معنوی انقلاب عراق در ۱۹۶۱ م نیز بود. قدرت کاشانی به حدی بود که وقتی فدائیان اسلام نخست وزیر ایران (رزم‌آرا) را اعدام کردند، آیت‌الله کاشانی بی‌بانه‌ای صادر کرد و گفت: گلوله‌هایی که رزم‌آرا را به قتل رساند، گلوله‌هایی مبارک و همگام با توفیق الهی بود. در واقع کاشانی با حمایت از مصدق، او را به قدرت رساند. حکایتی وجود دارد، راجع به تظاهرات بزرگی که وی در ایران رهبری کرد. وقتی که منزل آیت‌الله کاشانی از سوی نیروهای پلیس محاصره شد تا او را از برگزاری تظاهرات و نفع مصدق بازدارند، وی کفن پوشید و همراه پیروان خود به خارج منزل که به وسیله نیروهای پلیس در محاصره بود، به راه افتاد.»

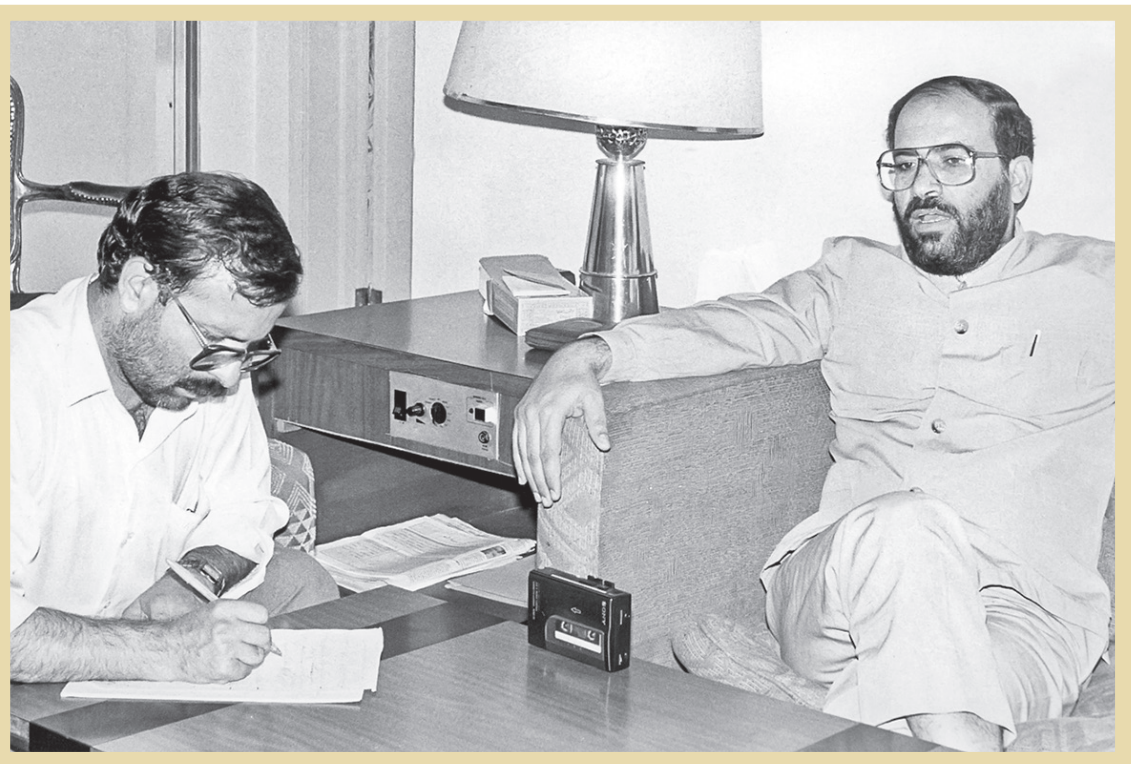
نیما احمدپور

به شهادت تاریخچه مبارزات فلسطینی، جنبش جهاد اسلامی فلسطین، نخست‌تین گروهی بود که پس از آشکار شدن ماهیت سازشکارانه جنبش فتح، با ایتنای بر اسلام سیاسی و الگویی از تجربه انقلاب اسلامی تأسیس شد. بی تردید این جریان و مکتب نظری و عملی آن در عداد یکی از بزرگ‌ترین تهدیدات برای اسرائیل غاصب به شمار می‌روند، چه اینکه آموزه‌های امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی را سروجه عمل خویش قرار داده‌اند. در مقال پی آمده به زمینه‌های تأسیس و پیامدهای فعالیت این گروه پرداخته است.

■ ■ ■

روشنگری در مساجد، برای تولد یک گروه مبارز در حدود نیم قرن پیش، جمعی از جوانان اندیشمند، مبارز و سیاست‌پزوه فلسطینی، فرآیند آتش‌ها به اشتغال کشور خویش را از آغاز آن مورد مطالعه و بررسی قرار دادند. آنان نهایتاً به این نتیجه رسیدند آنچه تاکنون در این باره انجام شده، ناکافی و تک‌بعدی بوده و باید دور جدیدی از مبارزات، با اتکا به دین، بسیج افکار عمومی جهان اسلام و عرب و نهایتاً به شکل مسلحانه آغاز شود. عبدالعزیز شقافی برادر شهید دکتر فتحی شقافی، بنیانگذار جنبش جهاد اسلامی فلسطین در این‌باره گفت: «با وقوع انقلاب اسلامی در ایران، برادران از این واقعه فوق‌العاده شگفت‌زده شد و کتابی با عنوان «خمینی، محمد الهندی و جایگزین» نوشت. این کتاب، خیلی زود نیایب شد و به چاپ دوم رسید. مقامات مصری، چاپ دوم را بازارها جمع کردند و به دلیل تشابه اسمی من نویسنده کتاب مرا بازداشت کردند. برادران نیز به خاطر همان کتاب سه ماه بازداشت کردند و سپس تحت مراقبت شدید سازمان امنیت مصر قرار دادند. او نیز در سرش را در دانشگاه زقازیق تمام کرد و در سال ۱۹۸۱ م به غزه برگشت. در آنجا بود که با دکتر رمضان عبدالله شلیح، نافذ عزام، محمد الهندی، خضر حبیب، عبدالشامی، عبدالعزیز و دیگر پایه‌گذاران اولیه جهاد اسلامی آشنا شد. اولین فعالان این جنبش در دهه ۱۹۸۰ م از دانشگاه‌های مصر فارغ‌التحصیل شدند؛ به فلسطین برگشتند و ذیل شعار ایمان، آگاهی، انقلاب و بسیج نیروها شروع به انتشار افکار و اندیشه‌های جهادی کردند. برادر من همزمان با برپایی جلسات سخنرانی در مساجد روشنگری می‌کردند. در اواخر سال ۱۹۸۱ م، گروه اسلامی مستقل در دانشگاه غزه به عنوان نماینده جنبش جهاد اسلامی تشکیل و در سال ۱۹۸۲ م در اولین انتخابات پس از تشکیل این گروه به پیروزی قاطع دست یافت. برادر من در منزل برخی افراد در تبیین یکی از کتب ایدئولوژیک مربوط به جنبش، جلسات هفتگی برگزار می‌کرد. او روابط بسیار خوبی با رهبران حرکت‌العمل اسلامی در کرانه باختری از جمله راضی السلایمه و سعید بلال داشت. فتحی در سال ۱۹۸۲ و به دلیل انتشار مجله النور به مدت ۱۱ ماه زندانی شد.

پس از تأسیس جهاد اسلامی، جنبش‌های اسلامی دیگری از قبیل حماس نیز متولد شدند، اما هرگز نباید از یاد برد که در مسلخ سازش بر سر آرمان فلسطین، این جهاد بود که بستر نخستین انتفاضه را فراهم ساخت و تا هم‌اینک نیز هر آنچه در عرصه مواجهه با اسرائیل می‌گذرد، به اندیشه مبارزات اسلامی، روشنگر و مسلحانه اتکا دارد. امری که شهادت دکتر فتحی شقافی نیز نتوانست از آن بکاهد



«جنبش جهاد اسلامی»، تبلور مکتب امام خمینی در فلسطین اشغالی

اونابودی محتوم اسرائیل را به جوانان فلسطینی آموخت

این مجله در قدس منتشر می‌شد. پیش از آن، او در مجله المختار الاسلامی با نام‌های مستعار عزالدین الفاروس و بشیر نافع مقاله می‌نوشت...»

«اسلام، جهاد و فلسطین» به مثابه اضلاع یک مثلث

بی‌تردید پیش از تأسیس جنبش جهاد اسلامی فلسطین، مؤسسان آن از جمله شهید دکتر فتحی شقافی به نوعی تدارک تک‌نظری، اجتماعی و سیاسی برای ظهور این جریان دست زدند. محمود ابوچهد، نماینده سابق جهاد اسلامی در ایران، در این خصوص به نکات ذیل اشارت برده است:

«زمانی که من شیفته افکار و شخصیت وی شدم، هنوز جنبش جهاد اسلامی فلسطین تأسیس نشده بود. دکتر با آگاهی بخشی در زمینه مسئله سرنوشت‌ساز و حیاتی فلسطین، نقش بی‌ظنیری در زندگی من و دیگر دانشجویان ایفا کرد. او به همه ما تأکید می‌کرد اگر از منظر وی به مسئله فلسطین بنگریم، در خواهیم یافت که این موضوع حد و مرز جغرافیایی و نژادی ندارد و از همه مقولات مهم‌تر است. دکتر اعتقاد داشت فلسطین، شاه‌کلید زمان آگاهی، مبارزات اسلامی و طرح‌های استقلال‌طلبانه و خوداتکاست. ایشان اسلام، جهاد و فلسطین را یک مثلث متصل به هم قلمداد می‌کرد همواره تلاش می‌کرد که امت اسلامی از تفرقه دور و متحد شود. با وجود سن کم، مبانی اسلامی رهبری دانشمند و مصلحی بزرگ به‌شمار می‌آمد؛ به همین دلیل هم وقتی جنبش جهاد اسلامی تشکیل شد، بی‌درنگ همه ما در آن عضو شدیم. این جنبش، سازمان یا حزب به معنای سیاسی متعارف آن نیست، بلکه جریان است که می‌خواهد همه امت به‌ویژه ملت فلسطین را متحول کند، زیرا چالش اصلی در برابر امت اسلامی، صهیونیسم و پیشپاین آن، یعنی امپریالیسم امریکاست. شهید دکتر شقافی همواره می‌گفت: «رژیم صهیونیستی پدیده‌ای بیگانه است، در این سرزمین ریشه ندارد و به همین دلیل نیز رفتنی است؛ ما فرزندان این سرزمین هستیم و در اینجا ریشه داریم و خواهیم ماند. اسرائیل گیاهی غیر عادی و بی‌ریشه است که به زور آن را در سرزمین اسلامی فلسطین کاشته‌اند و به همین دلیل نیز رشد نخواهد کرد...». تصور می‌کنم که این جمله، ترجمان مناسبی از یک عمر تکاپوی او باشد...»

«جهاد اسلامی» در زندان‌ها و بازداشتگاه‌های اسرائیل تأسیس شد

برای بسا فعالان مقاومت فلسطینی، تأسیس یک جنبش مبارز و اسلامی در زندان‌ها و بازداشتگاه‌های دشمن، خبری خوب قلمداد می‌شد. این موضوعی است که زنده‌یاد احمد جبرئیل دبیر کل سابق جبهه خلق برای آزادی فلسطین بدان اذعان کرده است:

«پس از آنکه دکتر فتحی شقافی از سرزمین‌های اشغالی فلسطین به لبنان تبعید شد، با او تبادل‌نظر شد. از قول شهید

بودم که در بازداشتگاه‌ها و زندان‌های دشمن، یک جنبش جهادی نوین تأسیس شده است و اطلاعات آن به ما می‌رسید. ما هم خوشحال و در عین حال سرفراز بودیم که یک عامل اسلامی وارد این مبارزه شده است و در انتظار نتایج آن نشستیم. ما در انتظار یک جریان اسلامی بودیم تا اولاً با اسلام و مفهوم جهاد در آن بیشتر آشنا شویم و دوم اینکه موقع بحث و مباحثه عمده در جنبش جهاد اسلامی بود و به کمک و خون تازه‌ای نیاز داشتیم. در سال ۱۹۸۵ و عملیات الجلیل که به میانه‌های اسرائیل جبهه خلق برای آزادی فلسطین و رژیم اسرائیل پرداختیم، دل‌مان می‌خواست همه کسانی را که از سازمان جدیدی به نام جهاد اسلامی فلسطین سخن می‌گفتند، آزاد کنیم.

در واقع آنان در زمره فرماندهان عمده در جنبش جهاد اسلامی بودند. همکاری ما با این تشکل، به فراتر از مسائل سیاسی و به طور مشخص به موضوعات لجسنتیکی و آموزش برادران جنبش جهاد اسلامی تعمیم پیدا کرد. این روابط، روزبه‌روز نقش پررنگ‌تری می‌شدند. در گفت‌وگو با دکتر شقافی به این نتیجه رسیدیم که وظیفه جهاد تنها مقابله با صهیونیست‌ها نیست، بلکه باید با تلاش‌های سیاسی گمراه‌کننده‌های هم که در پی فرار داد اسلوه علیه ملت فلسطین شکل گرفته بودند، مبارزه شود. آن روزها این توهم ایجاد شده بود که این قرارداد، یک کشور فلسطینی را در سرزمین‌هایی که از سال ۱۹۶۷ اشغال شده بودند و پایتخت آن قدس خواهد بود، به ارمان خواهد آورد؛ ذهنیتی که بسیار زود نقش بر آب شد. واقعیت این است که در داخل جهاد نیز اشکالاتی وجود داشت و ما سعی کردیم آنها را برطرف کنیم و در مواردی هم موفق شدیم، اما در بعضی از زمینه‌ها امکان آن پیش نیامد. با این حال دکتر شقافی معصم‌تر عصبی داشت و توانست در فرآیند فعالیت‌های خود بسیاری را جذب کند. ما در بیروت، دمشق و تهران با هم دیدار‌های زیادی داشتیم و هیچ‌گاه احساس نکردیم که میان ما اختلافی اصولی وجود دارد. در شناخت دشمن و تحلیل پدیده‌های موجود با او اشتراکات فراوانی داشتیم...»

رهبرانی که از زندان رژیم صهیونیستی گریختند

جوانان اندیشمند و مبارزی که جهاد اسلامی را پایه‌نهادند، نهایتاً از زندان‌های رژیم صهیونیستی گریختند یا آزاد شدند. برای آنان به کارگیری تجربه انقلاب اسلامی ایران در راه‌گاه خویش، انگیزه فراوانی یافته بود. چنانکه زنده‌یاد حجت‌الاسلام والمسلمین سیدعلی اکبر محتشمی‌پور، سفیر سابق ایران در سوریه به‌خاطر نشان کرده است:

«قبل از شکل‌گیری جهاد اسلامی، در فلسطین حرکت اسلامی نداشتیم، اما می‌دانستیم که در سرزمین‌های اشغالی، یک گرایش بسیار قوی در زندان‌ها و از سوی جوانان و روشنفکران برجسته‌ای که با اندیشه‌های حضرت امام انس گرفته و راه نجات فلسطین را در آن آموزه‌ها دیده‌اند، به‌وجود آمده است. بعد شنیدیم عده‌ای

د

به شهادت تاریخچه مبارزات فلسطینی، جنبش جهاد اسلامی، نخست‌تین گروهی بود که پس از آشکار شدن ماهیت سازشکارانه ناسیونالیسم عربی، با اتکا بر اسلام سیاسی و الگویی از تجربه انقلاب اسلامی تأسیس شد. بی‌تردید این جریان و مکتب نظری و عملی آن، در عداد یکی از بزرگ‌ترین تهدیدات برای اسرائیل غاصب به شمار می‌روند، چه اینکه آموزه‌های امام خمینی را سرلوحه عمل خویش قرار داده‌اند

از آنان، از زندان‌های رژیم صهیونیستی گریخته‌اند! علاوه‌بر این عده شهید دکتر فتحی شقافی بود. بنابراین من قبل از دیدار با ایشان، خط سیر فکری و مبارزاتی‌شان را می‌شناختم. این گروه، آماده هر گونه عملیات استشهادی برای عقب‌راندن دشمن صهیونیستی و هر نوع جانفشانی برای آزادی قدس و مردم فلسطین بودند. اغلب جریان‌ات سیاسی و مبارزاتی فلسطینی به ایجاد ارتباط با جمهوری اسلامی علاقه‌مند بودند، اما واقعیت این است که من نسبت به هیچ‌یک از آنها احساسی را که نسبت به جهاد اسلامی داشتم، نداشتم، چون مبارزان جهاد اسلامی، حقیقتاً پاک‌باخته بودند و با تمام وجودشان در خط اسلام حرکت می‌کردند و از هر گونه فداکاری دریغ نداشتند...»

اسلام‌گرایی و عبور از سوسیالیسم و ناسیونالیسم عربی

در بخش‌های پیشین، نحوه‌شکل‌گیری جهاد اسلامی فلسطین مورد بازخوانی قرار گرفت، اکنون زمان آن است که به محتوای ارائه شده از سوی این گروه می‌رسیم. ما هم خوشحال و در عین حال سرفراز بودیم که یک عامل اسلامی وارد این مبارزه شده است و در انتظار نتایج آن نشستیم. ما در انتظار یک جریان اسلامی بودیم تا اولاً با اسلام و مفهوم جهاد در آن بیشتر آشنا شویم و دوم اینکه موقع بحث و مباحثه عمده در جنبش جهاد اسلامی بود و به کمک و خون تازه‌ای نیاز داشتیم. در سال ۱۹۸۵ و عملیات الجلیل که به میانه‌های اسرائیل جبهه خلق برای آزادی فلسطین و رژیم اسرائیل پرداختیم، دل‌مان می‌خواست همه کسانی را که از سازمان جدیدی به نام جهاد اسلامی فلسطین سخن می‌گفتند، آزاد کنیم.

در واقع آنان در زمره فرماندهان عمده در جنبش جهاد اسلامی بودند. همکاری ما با این تشکل، به فراتر از مسائل سیاسی و به طور مشخص به موضوعات لجسنتیکی و آموزش برادران جنبش جهاد اسلامی تعمیم پیدا کرد. این روابط، روزبه‌روز نقش پررنگ‌تری می‌شدند. در گفت‌وگو با دکتر شقافی به این نتیجه رسیدیم که وظیفه جهاد تنها مقابله با صهیونیست‌ها نیست، بلکه باید با تلاش‌های سیاسی گمراه‌کننده‌های هم که در پی فرار داد اسلوه علیه ملت فلسطین شکل گرفته بودند، مبارزه شود. آن روزها این توهم ایجاد شده بود که این قرارداد، یک کشور فلسطینی را در سرزمین‌هایی که از سال ۱۹۶۷ اشغال شده بودند و پایتخت آن قدس خواهد بود، به ارمان خواهد آورد؛ ذهنیتی که بسیار زود نقش بر آب شد. واقعیت این است که در داخل جهاد نیز اشکالاتی وجود داشت و ما سعی کردیم آنها را برطرف کنیم و در مواردی هم موفق شدیم، اما در بعضی از زمینه‌ها امکان آن پیش نیامد. با این حال دکتر شقافی معصم‌تر عصبی داشت و توانست در فرآیند فعالیت‌های خود بسیاری را جذب کند. ما در بیروت، دمشق و تهران با هم دیدار‌های زیادی داشتیم و هیچ‌گاه احساس نکردیم که میان ما اختلافی اصولی وجود دارد. در شناخت دشمن و تحلیل پدیده‌های موجود با او اشتراکات فراوانی داشتیم...»

رهبرانی که از زندان رژیم صهیونیستی گریختند

جوانان اندیشمند و مبارزی که جهاد اسلامی را پایه‌نهادند، نهایتاً از زندان‌های رژیم صهیونیستی گریختند یا آزاد شدند. برای آنان به کارگیری تجربه انقلاب اسلامی ایران در راه‌گاه خویش، انگیزه فراوانی یافته بود. چنانکه زنده‌یاد حجت‌الاسلام والمسلمین سیدعلی اکبر محتشمی‌پور، سفیر سابق ایران در سوریه به‌خاطر نشان کرده است:

«قبل از شکل‌گیری جهاد اسلامی، در فلسطین حرکت اسلامی نداشتیم، اما می‌دانستیم که در سرزمین‌های اشغالی، یک گرایش بسیار قوی در زندان‌ها و از سوی جوانان و روشنفکران برجسته‌ای که با اندیشه‌های حضرت امام انس گرفته و راه نجات فلسطین را در آن آموزه‌ها دیده‌اند، به‌وجود آمده است. بعد شنیدیم عده‌ای

نهران شهید دکتر فتحی شقافی در حال انجام یک گفت‌وگوشبه‌مطبوعاتی

نهران تعدادی از مؤسسین جهاد اسلامی شقافی

جهان اسلام تبدیل کرد و جنبش فلسطین بار دیگر زنده شد. امروز اکثریت مسلمانان روشن‌بین و زمان‌گاه، دغدغه سرنوشت فلسطین را دارند و به آزادی قدس شریف می‌اندیشند. دکتر فتحی شقافی در ایجاد اخوت و برادری در میان مسلمانان، به‌خصوص فلسطینیان بسیار کوشید. امثال ایشان، شهید عزالدین قسام‌ها، شهید سیدعباس موسوی‌ها و دیگر شهدای فلسطین و لبنان راهی را گشودند که آن‌شاهانه تا نبل به پیروزی تداوم خواهد داشت...»

ددار تاریخی شهید دکتر فتحی شقافی با امام خمینی

شهید دکتر فتحی شقافی در آغازین سالیان تأسیس نظام اسلامی در ایران به کشورمان سفر و با امام خمینی، رهبر کبیر انقلاب اسلامی و برخی مسئولان سیاسی وقت دیدار کرد. مرحوم محتشمی‌پور، ماجرای دیدار تاریخی وی با بنیانگذار جمهوری اسلامی را اینگونه به تاریخ سپرده است: «کنته مهم این بود که ایشان مقاومت و جهاد را بر اساس اندیشه‌های حضرت امام (رض) و طبعاً اسلام ناب محمدی (ص) انتخاب کرده بود و ذره‌ای انگیزه ششخصی، قومی، قبیله‌ای و ملی‌گرایانه در ذهن و وجودش راه نداشت. بسیار تمایل داشت که با حضرت امام و سایر شخصیت‌های مذهبی و سیاسی و مقامات رسمی جمهوری اسلامی، دیدار و گفت‌وگو و نظرات آنان را دریافت کند. من درخواست ایشان را منتقل کردم و حضرت امام هم وقت ملاقات دادند. این ملاقات، تحول‌گرفتی در شهید شقافی به‌وجود آورد؛ چون پیش از آن از طریق سخنرانی‌ها، بیانه‌ها، کتاب‌ها و در واقع از راه دور با امام آشنا شده بود و حالا از نزدیک با ایشان گفت‌وگو می‌کرد. از سوی دیگر، امام هم گوهرشناس بودند و وقتی ایشان را از نزدیک دیدند، به‌سرعت متوجه شدند که او برای دریافت مسائل آن ظرفیت بالایی برخوردار است. امام در صحبت با افراد، بسیار حریص‌نگه می‌داشتند و صمیمی نمی‌شدند، ولی در برخورد با شهید شقافی، طوری رفتار کردند که گویی ۳۰-۴۰ سال است که او را می‌شناسند! ایشان در آن جلسه نکات مهمی را یادآوری کردند و به شهید شقافی فرمودند که این مبارزه را تا آزادی کامل فلسطین و تازمانی که حتی یک صهیونیست هم در آنجا باقی‌مانده است، ادامه دهید. در میان شمار هزاران سازشکار شیخیه که می‌خواهند اسرائیل را به رسمیت بشناسند، مراقب آنان باشید. شهید شقافی پس از ملاقات با حضرت امام، انگیزه و امید فراوانی پیدا کرد و از آن پس در تمام سخنرانی‌ها و مقالاتش از امام و انقلاب اسلامی می‌گفت...»

مجاهدیی که با شنیدن نام «امام» می‌گریست

تصور می‌برم که خواننده‌موشکاف‌تامله‌این بخش از ماجرا به‌علل دشمنی شدید موساد با پایه‌گذار جهاد اسلامی فلسطین پی برده باشد، چه تشکیلاتی که با الهام از مواضع قاطع امام خمینی علیه رژیم متجاوز اسرائیل تأسیس و فعال شود، می‌تواند برای غاصبان قبله اول مسلمانان بسیار خطرناک باشد. الهام و گرایشش که محمدعلی مهتدی، تحلیل‌گر مسائل فلسطین و لبنان اینجین به توصیف آن پرداخته است:

«دکتر فتحی شقافی فقط یک متفکر و تحصیلکرده دانشگاه نبود، بلکه پیش و پیش از آن، انسانی والا به شمار می‌آمد. بسیاری از افراد هستند که جهاد و مبارزه کرده‌اند یا می‌کنند، اما پیوستن به خدا، توجه به اخوت و برادری دینی، وارستگی و مجاهدت براساس عقیده‌های عمیق، نصیب هر کس نمی‌شود. ایشان چنین خصالتی داشتند و لذا مجاهدی کامل و بی‌ظنیر قلمداد می‌شد. یادم است که هر وقت نام امام خمینی به میان می‌آمد یا تصویری از ایشان را در تلویزیون می‌دید، بی اختیار گریه می‌کرد امام به فارسی صحبت می‌کردند و دکتر نیز فارسی بلد نبود، با این حال گوش می‌کرد و می‌گریست! از او پرسیدیم ششما که فارسی نمی‌دانید و متوجه نمی‌شوید که امام چه می‌گویند، پاسخ می‌داد: نیازی نیست که فارسی بلد باشم، می‌دانم چه می‌گویند و مفهوم کلامشان چیست! انس و الفت عجیبی با امام و رویکردهای ایشان داشت، امری که تا پایان حیات نیز با او بود. دکتر شقافی جزو نوادری بود که حقیقتاً یک انسان مکتبی کامل و دیانتش عین سیاستش بود. سیاست به معنی جزیئی از منظومه عقیدتی‌اش بود. بسیار فریخته، زیرک، با قدرت تحلیل بسیار بالا و در عین حال پژوهشگری دانشگاهی و مجهز به اندیشه متدلوژیک بود. یک سیاستمدار تمام‌عیار اسلامی بود که همواره اصول را در نظر داشت و در تصمیم‌گیری‌ها، مذاکرات و تعامل با دیگران، حتی حاضر نبود که به دشمنش نیز ستم شود؛ ضمن اینکه در نگاه ایشان، همواره اولویت با مسئله فلسطین بود و این موضوع محور اصلی مبارزاتش محسوب می‌شد؛ به معضلات و مشکلات تمامی کشورهای اسلامی نظر داشت و بر مبارزات کشورهای مختلف در نقاط مختلف دنیا متمرکز بود و آنها را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌داد...»

کلام آخر

درست است که پس از تأسیس جهاد اسلامی، جنبش‌های اسلامی دیگری از قبیل حماس نیز متولد شدند، اما هرگز نباید از یاد برد که در مسلخ سازش بر سر آرمان فلسطین، این جهاد بود که بستر نخستین انتفاضه را فراهم ساخت و تا هم‌اینک نیز هر آنچه در عرصه مواجهه با اسرائیل می‌گذرد، به اندیشه مبارزات اسلامی، روشنگر و مسلحانه اتکا دارد. امری که شهادت دکتر فتحی شقافی نیز نتوانست از آن بکاهد



نهران تعدادی از مؤسسین جهاد اسلامی شقافی